

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۴۶ ه.ق - راهیان نور)

### خطبه‌ی شب دوازدهم

۲۷ تیر ۱۴۰۳

بارالها حمد و ستایش تو را سزاست، حمدی که زینده‌ی ذات کریم توست و با جلالت برابری می‌کند. حمدی که پایانی نپذیرد و به گردش روزگار پیایی فزونی یابد. حمدی که فرشتگان حسابدار از شمردنش عاجز و از آنچه نویسندگان نوشته‌اند افزون‌تر شود. حمد و ستایشی که با عرش با عظمت و با کرسی بلندپایه‌ات برابری نماید. حمدی که ظاهرش با باطنش یکی باشد و با نیت اخلاص ابراز شود. پروردگارا بر محمد (ص) و آلش درود فرست که از آن درود پاکیزه‌تر و فزاینده‌تر و پسندیده‌تر نباشد.

خطبه‌ی امشب را مزین کردیم به مناجات سید ساجدین زینت عابدین امام علی‌بن‌الحسین (ع) امامی که وسعت قلب و روحشان اقیانوس‌ها را شگفت‌زده و صبر و استواری‌شان کوه‌ها را شرمنده کرده است امامی که به تعداد شهدای کربلا بر قلب نازینش زخم خورده بود و مدت ۳۴ سال با مناجات‌های زیبا و پر از اخلاص و بندگی و معارف اسلامی و خودسازی و مبارزه با کفر و نفاق‌های درونی و بیرونی زندگی کرد. با وجود تحمل آن همه مصائب در طول عمر خود لحظه‌ای از هدایت و امامت مردم از پا ننشست.

امام سجاد (ع) در واقعه‌ی نهضت عاشورا ریشه‌ی جهالت مردم را در سه چیز در مرحله اول دانست و آن نداشتن توحید و ارتباط با معرفت با خداوند کریم و نداشتن فرهنگ اسلامی و عرفان شیعه، در نتیجه برای اصلاح همه‌ی این موارد قیام فرمود و امامان بعد از ایشان نیز راهشان را ادامه دادند و این تدبیر از علم امامت ایشان سرچشمه می‌گیرد همان‌گونه‌ای که پدر گرامی‌شان اباعبدالله الحسین (ع) تدبیر را در فدا کردن جان خود و عزیزانش دید و با تمام وجود به آن پرداخت.

حکایت روز بعد از عاشورا عجیب‌ترین حکایت زمان است که در عصر حاضر نقشش پررنگ‌تر از سایر ساخته‌های ذهن عوام است، ذهن‌هایی که در پرورش اوهام مهارت غیرقابل توصیفی دارند و آن‌چنان آن را در جان مردمان می‌چرخانند که از شدت باور جانشان به سوزوگداز مبتلا می‌شود و بر امامی که در زنجیر دشمن گرفتار شده خون می‌بارند. هیئات بر عقلی که در درک آنچه به‌عنوان «اَکْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» پذیرفته تا این حد نادان است. پس حتم بدانید هرگز بزرگی مبارزه حق از صحنه‌ی زمان محو نمی‌شود و آنچه آن را پایدار می‌کند وعده‌ی الهی است.

پس سلام بر رحمان و رحیم؛ رحیم بر خورندگان خزاین آفرینش؛ آنانی که روزی‌شان قبل از آمدن به جهان خاکی آماده گردیده تا سیر حیات ادامه یابد و شکم‌ها از تدبیر پروردگار عالم گرسنه نماند؛ جان با شرافتش در نعمت‌ها متنعم گردد و آنگاه پروردگارش را بستاید.

افسوس که نعمت سلامتی با اطاعت نکردن از فرامین کتاب آسمانی به مرضی سخت و علاج ناپذیر بدل می‌گردد؛ اعضا و جوارح در خدمت نفس شیطانی درمی‌آید و او مانند فرماندهی شکست خورده تسلیم سرنوشتی می‌شود که پروردگار عالم فرموده: مرگ بر انسان باد که چه ناسپاس است؛ ناسپاس نعمت روحی منور در جسمی که کمال خلقت است.

مرگ چیست؟ قطع حیات را مرگ می‌شناسند. حیات از گلو خارج می‌شود و او جسدی که باید در خاک پنهان شود؛ یادش در ذهن‌ها بماند و دیگر آثارش در زمین دیده نشود؛ آثار ناسپاسی‌اش مونس قبرش شود و خاطره‌ی تلخی وجودش در کام زمان باقی بماند؛ ذائقه‌ها تلخی‌اش را در جان‌شان ذخیره کنند و هر بار که یادش را در خاطره‌ی جان مرور می‌کنند بر زندگی ننگینش عذاب را تقاضا کنند، درحالی‌که در مشیت آفرینش، مرگ هم مانند تولد است؛ تولدی باشکوه‌تر از دنیا. پس ناسپاسی در نشناختن انوار روح، حیات را قطع می‌کند و جان انسان را در ظلمت جهل قرار می‌دهد مانند ماه محرم که تلخی جهل جاهلان در کام زمان جاودانه شد و زندگی ننگینشان آینه‌ی عبرت حق از باطل گردید؛ حقی که همواره در زمان می‌جوشد و آرمان‌هایش را اعلام

می‌دارد و باطلی که حق را در پشت وجود مکارش پنهان می‌کند تا سیه‌روزی‌اش، چندی بر جان افسون شده‌اش ارمغان حق را زمزمه کند.

اینک از پروردگاران با دلی سوخته از این غفلت‌ها تقاضا می‌کنیم تا منتقم حق را یاری کنند و باطل را از صحنه‌ی زمان محو و رسوا. پس باز فریاد می‌زنیم:

**اللهم عجل لولیک الفرج**

www.rayatolhoda.com